

"بسمه تعالی"

نقش مساجد در تحکیم بنیان خانواده

ع. ترکی

چکیده

در این پژوهش با الهام از قرآن کریم و استفاده از رهنمودهای پیشوایان دینی مسئله‌ی خانواده را بررسی می‌کنیم. ابتدا به مفهوم و ضرورت خانواده در اسلام و به‌ویژه درسیره‌ی عملی پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌پردازیم و سپس نظام خانواده و معیارهای تشکیل آن را از منظر اسلام بررسی می‌کنیم. در ادامه مراتب رسیدن به کمال و حقیقت در خانواده را پی می‌گیریم و عوامل تحکیم بنیان خانواده را بر می‌شمریم. در این پژوهش دهدف اساسی را دنبال می‌کنیم: نخست، استحکام و بنیان خانواده به چه عواملی بستگی دارد؛ دوم، مساجد چه جایگاهی در استحکام و بنیان خانواده و تعالی آن‌ها دارند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، اسلام، مسجد، عوامل استحکام خانواده، ازدواج، معیارها، سنخیت، کفایت، تضاد و عدم سنخیت، ترکیه‌ی نفس، تعالی، ارتباط دوسویه.

مقدمه

خانواده پایه‌ی اصلی سعادت هر فرد در جامعه محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که اگر افراد خانواده بتوانند با روابطی شایسته و متناسب، روح و جسم یکدیگر را آرامش بخشند و زمینه‌ی شکوفاشدن استعدادهای درونی خود را آماده کنند، جامعه‌ای موفق به‌وجود خواهد آمد. اگر زن و شوهر با تفاهم کامل و دوستی و صمیمیت، محیطی باصفا در خانه ایجاد کنند، نه تنها با این کار فرزندان شایسته پرورش می‌دهند، بلکه خودشان نیز از موهبت آرامش و محیط سالم بهره‌مند می‌گردند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره‌ی اهمیت خانواده می‌فرماید: «هیچ بنایی نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر از (کانون) ازدواج و خانواده نیست». محیط صمیمی و فضای آرام خانه می‌تواند به رشد و کمال آن‌ها کمک کند و بستری مطلوب برای پیشرفت و خلاقیت فراهم کند. از این‌رو در روایات، موارد زیادی وجود دارد که بر خوش‌رفتاری در خانواده تأکید کرده‌اند. این مسئله حاکی از آن است که

خوش رفتاری در کانون خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد و آثار مثبت آن فراتر از خوش رفتاری با افراد دیگر است. خداوند در قرآن کریم خانواده را عامل سکون و آرامش معرفی می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»^۱ از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.

اهمیت و ضرورت موضوع

خانواده به‌عنوان اولین، مهم‌ترین و پربرکت‌ترین نهاد اجتماعی در تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی به‌شمار می‌رود. در فرهنگ اسلامی، خانواده به‌مثابه‌ی دژی استوار و نهادی مقدس، بیشترین مسئولیت را در رشد و تحول، تربیت و تعالی و سعادت وجود انسان برعهده دارد. خانواده‌ها به‌مثابه‌ی اصلی‌ترین پایگاه‌های رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان، همانند حلقه‌های زنجیر اجتماع انسان‌ها هستند و سهمی بسیار مهم در سلامت و اعتدالی جوامع بشری برعهده دارند. بنابراین، سلامت و سعادت و بهروزی جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین «زن» و «شوهر» و والدین و فرزندان بستگی دارد. به‌بیان‌دیگر، تعالی هر خانواده در سایه‌ی تربیت و اخلاق اسلامی نمود می‌یابد.

اگر بتوانیم فضائل اخلاقی را در خانواده به‌ملکه‌ی اخلاقی بدل کنیم، بی‌شک قدمی بسیار بزرگ در راه تعالی خانواده و نیز اجتماع برداشته‌ایم و ماحصل تلاشمان جامعه‌ای امن و آرام خواهد بود. درواقع، با چنین تلاشی به آرمان‌شهر اسلامی می‌رسیم و شاهد اجرای اصول کرامت انسانی و رحمت الهی خواهیم بود. با توجه به اینکه کردار و رفتار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای بشریت نماد و الگو است و از آنجاکه ایشان اخلاق را شرط تعالی خانواده می‌دانستند، اگر بخواهیم خانه و اعضای خانواده در سلامت و آرامش باشند، باید اخلاق را محور کردار و رفتار خانواده و اجتماع قرار دهیم. خانواده‌ی اسلامی باید بکوشد که نشانه‌هایی از عدل الهی، علم الهی، قدرت الهی، قداست الهی و سایر صفات پروردگار متعال را در خود پرورش دهد و همواره رحمت و رأفت

^۱ - سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱

اسلامی را محور رفتار اجتماعی قرار دهد. در چنین فضایی و با پیوند عاطفه و عقلانیت، در پرتو عنایات الهی، جامعه به سعادت واقعی خواهد رسید. در غیر این صورت، نابسامانی، اختلاف، نزاع‌های والدین و عدم رابطه‌ی صمیمی میان اعضای خانواده حاصل کارمان خواهد بود جامعه به بی‌ثباتی و حتی فروپاشی منجر خواهد شد. بی شک، در اجرای این وظیفه‌ی خطیر اجتماعی، مسجد می‌تواند نقشی سرنوشت‌ساز ایفا و به تعالی و رشد خانواده کمک کند.

اهمیت و ضرورت خانواده

خانواده نخستین نهاد اجتماعی در زندگی جمعی انسان است و مهم‌ترین نقش را در توسعه و رشد مراحل حیات بشر داشته است. خانواده به این دلیل اهمیت فراوانی دارد که وجود آدمی از درون خانواده ریشه می‌گیرد و در آن تکوین می‌یابد. در واقع، آثار خلقت انسان با خانواده شروع شده است. آیا چنین ویژگی‌ای سر این قضیه نیست که خانواده رکن عالم هستی است و به کل هستی جهت می‌دهد؟^۱ خانواده سنگ بنای اجتماع است و اگر خانواده‌ها سالم و متعالی و استوار باشند، می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم و متعالی و استوار امیدوار بود. هر قدر روابط همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و باصفا تر و بهداشت روانی فردی و خانوادگی بیشتر می‌شود و در نتیجه فرزندان پر نشاط و موفق‌تر تربیت می‌شوند. البته، عکس این قضیه نیز صادق است. به‌طور کلی سلامت و استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده و برخورداری پدران و مادران از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی‌های مستمر ایشان، ضامن رشد مطلوب شخصیت احساسی در کودکان و نوجوانان می‌باشد و پیشگیری از تعارضات، تضادها، کجروی‌ها و اختلالات روانی و اجتماعی نیز در گرو سلامت خانواده است.

در کنار خانواده مدرسه نیز قرار دارد. این دو نهاد دو کانون مقدس تربیتی هستند که ارکان اصلی جامعه‌ی سالم، پویا و متعالی را تشکیل می‌دهند. یعنی اگر به دنبال جامعه‌ای سالم و بالنده هستیم که در آن افراد و قشرهای گوناگون از آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و اختلالات رفتاری مصون باشند، باید بیشترین توجه را به

^۱. ملکی، ۱۹.

جایگاه خانواده و در مرحله‌ی دیگر به محل درس فرزندان معطوف کنیم. آگاهی بخشی مستمر در زمینه‌ی نقش خانواده و مدرسه، باعث رشد مطلوب شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان می‌شود و زمینه‌ی رشد اعتقادی و پایبندی به ارزش‌های عبادی را فراهم می‌آورد.^۱

اهمیت خانواده از منظر پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در نخستین روزهای ورود به مدینه و تشکیل حکومت دینی، یکی از پایه‌های تربیت اسلامی را اصلاح اساسی کانون خانواده قرار داد. در نگاه ایشان، خانواده محلی برای تربیت انسان‌های شایسته بود و لذا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با ایستادگی در مقابل خرافات جاهلیت، نهاد مقدس خانواده را تعالی داد. آن بزرگوار برای تحکیم پایه‌های خانواده و ایجاد انس و الفت، بر گذشت از لغزش‌های همسران تأکید می‌کرد. علاوه بر آنکه یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی خود پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز اخلاق نیکوی ایشان بود تا جایی که رسالت خود را تکمیل اخلاق خواند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۲ پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به همه‌ی مومنان می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»^۳

رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با همسران خود با عطف و عدل رفتار می‌کرد و هرگز میان آن‌ها فرق نمی‌گذاشت و حتی برای مسافرت بین آن‌ها قرعه می‌انداخت.^۴ آن بزرگوار به هیچ‌روی بد اخلاقی نمی‌کرد و به‌ویژه در مورد زنان نهایت مدارا را به‌کار می‌برد و تندخویی و بدزبانی همسران خود را تحمل می‌کرد. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در دورانی که زن را دارای روح انسانی و حقوق بشری نمی‌دانستند، مقام و رتبه‌ای والا به زن داد و او را تا پایه‌ی

^۱. افروز، ۵۲.

^۲. مکارم الأخلاق / ۸ / المقدمة.

^۳. من لا يحضره الفقيه / ج ۳ / ۵۵۵ / باب النوادر ص : ۵۵۱.

^۴. بخاری، ص ۳۴.

انسان بالا برد که استقلال در تصمیم و حق در مال و جان داشت. حتی در لحظات آخر حیات، ایشان به مدارای با زنان توصیه کرد و فرمود که باید مقتضیات فطرت زن و روحیه‌ی عاطفی او را مراعات کرد.^۱

آن بزرگوار با اینکه مسئولیت اجتماعی بزرگی داشتند، در خانه به اعضای خانواده کمک می‌کردند و رفتارشان با آن‌ها با مدارا و نرمش آمیخته بود. ایشان همواره بر حسن معاشرت با زنان تأکید می‌فرمودند: «همه‌ی مردمان، دارای خصلت‌های نیک‌بود هستند و مرد نباید تنها جنبه‌های ناپسند را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند؛ زیرا هرگاه از یک خصلت او ناراحت می‌شود، خلق دیگرش مایه‌ی خشنودی اوست و این دو را باید روی هم به حساب بیاورد».^۲ ایشان درقبال فرزندان و فرزندزادگان خود نیز باکمال صمیمیت رفتار می‌کرد و آن‌ها را همواره مورد تکریم و ستایش قرار می‌داد. او برای تربیت فرزندان خود می‌کوشید و همواره آن را با کلماتی زیبا و مهربانانه ستایش می‌کرد. برای مثال: «فاطمه پاره‌ای از تن من است، او قلب و روح من است، هرکس او را بیازارد مرا آزرده است»^۳ یا «حسن و حسین از من هستند و من نیز از آن‌ها هستم».^۴ پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همواره حسنین (علیهماالسلام) را نوازش می‌کرد و می‌بوسید و می‌فرمود کسی که فرزند خود را نبوسد و به آن‌ها محبت نکند لیاقت ورود به بهشت را ندارد.^۵

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره‌ی نحوه‌ی رفتار با خانواده می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که با زن و فرزند خود به نیکی رفتار کند و من از همه‌ی شما خوش‌رفتارترم».^۶ مرحوم فیض کاشانی در کتاب محجه البیضاء از سعدبن هشام روایت کرده است: «به دیدار عایشه، همسر گرامی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، رفتم و از اخلاق او پرسیدم.

۱. بخاری، ص ۲۶.

۲. مسلم، ص ۱۷۸.

۳. نورالابصار، ص ۴۷.

۴. مفید، ص ۱۲۷.

۵. مسلم، ص ۷۷.

۶. حرعاملی، باب العفو عن الزوجه.

او گفت: آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفتم: آری. گفت: اخلاق رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) قرآنی است.^۱ اهل سیره نوشته‌اند: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درخانه‌ی خویش کمک کار اهل خود بود. ایشان گوشت را تکه‌تکه می‌کرد و لباس خود را وصله می‌زد، به شتر خود علف می‌داد و با خدمتکار منزل آرد را آسیاب می‌کرد و خمیر می‌ساخت و...^۲ امروزه، در روان‌شناسی خانواده، اختصاص دادن وقتی معین برای اعضاء ضرورتی مهم در استحکام خانواده‌ها شناخته می‌شود، درحالی‌که این امر مهم در ۱۴۰۰ سال پیش ازسوی پیامبر مهر و رحمت اجرا می‌شد. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اوقات شریف خویش را تقسیم‌بندی کرده بود و بخشی از آن را به خانه و خانواده تخصیص داده بود.

نظام خانواده در اسلام

بستر ظهور اسلام سرزمین عربستان است. نگرش اعراب، همچون دیگر تمدن‌های قدیم، به زن تحقیرآمیز بوده است؛ به طوری‌که قرآن می‌گوید حتی برخی از مردم دخترانشان را زنده به گور می‌کردند و روابط خانوادگی شرم‌آمیزی بین آن‌ها حاکم بوده است. خانواده در اسلام بنیانی مهم است و در آن از بسیاری جهات میان زن و مرد برابری وجود دارد. در زمان نزول قرآن، کسی به زن احترامی نمی‌گذاشت اما قرآن، بیش از حد انتظار عصر جاهلیت، زن را بزرگداشت و حتی به برابری جایگاه او با مرد اشاره کرد. نظریه‌ی اسلام این است که زن و مرد، مکمل و لازمه‌ی بقا و تکامل یکدیگرند. در اصل خلقت، جوهره‌ی وجودی زن و مرد یکی است و اگرچه خلقت زن و مرد از نظر شکل ظاهری متفاوت است، اما از جهت کرامات نفسانی برابری کامل وجود دارد. اسلام زن را مانند مرد دارای روح کامل انسانی و اراده و اختیار می‌داند. از این رو، اسلام هر دو جنس را در یک مرتبه‌ی و جایگاه قرار داده است. قرآن کریم با خطاب‌های «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» (بدون در نظر داشتن

^۱. سنن النبی، ص ۱۵۸.

^۲ کحل البصر، ص ۱۰۲.

جنسیت) هر دو را مخاطب قرارداده و برنامه‌های تربیتی و اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است. افزون‌برآنکه در برخی موارد به صراحت جنس زن در کنار مرد قرار داده است.^۱

در نتیجه، اسلام بر همین اساس زن و مرد را در موارد زیر برابر می‌داند:

الف - خلقت: در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء خطاب به مردم آمده است: شما را از یک نفس آفریدم. در این آیه، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد؛

ب - عبادت و بندگی خدا: بندگی و عبادت زن و مرد تفاوتی ندارد و از نظر تعالیم قرآنی، تنها کسانی برترند که باتقواترند؛

ج - برابری در رحمت و آمرزش گناهان: بین زن و مرد در ورود به بهشت و دوزخ هیچ تفاوتی وجود ندارد؛

د - بهره‌مندی از امانت: خداوند متعال در قرآن کریم خلافت الهی بر زمین را امانتی به مطلق انسان می‌داند، فارغ از جنسیت مرد و زن.

تشکیل و تثبیت خانواده در قرآن

از دیدگاه قرآن، اصولاً خلقت انسان‌ها جفت جفت است و هیچ مردی و هیچ زنی نیست که برای او جفتی خلق نشده باشد. منطق قرآن در این باره چنین است: «یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود»^۲ در این آیه‌ی شریفه نکات بسیار ارزشمندی وجود دارد:

الف) اولین نکته که اساس خانواده در اسلام است، این است که زن و مرد از یک سنخ هستند؛

ب) خداوند محبت و مودت بین زن و مرد را در خلقت هر دو نهاده است؛

^۱. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۴.

^۲. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱.

ج) اینکه خلقت را به صورت زوج و از دو جنس قرار داده است. اینکه زوج‌هایی از جنس خودتان آفریده، نشانه‌ی رحمانیت خداوند است.

د) دو جنس را از یک منشأ خلق کرده است تا شما آرامش بگیرید و بین شما انس برقرار باشد.

و) این نشانه‌ها برای کسانی که تعقل می‌کنند، راهی آشکاراست؛ هرچه بیشتر فکر کنند، بیشتر به قدرت و عظمت خداوند پی می‌برند.

در آیات دیگری نیز خداوند به مسئله‌ی زوجیت در خلقت اشاره کرده است؛ مانند: نساء/ ۸ و شوری/ ۱۱. قرآن با این‌گونه تعبیرات، درحقیقت به فلسفه‌ی اساسی خانواده اشاره کرده است. در وجود انسان زمینه‌ای از مودت و رحمت وجود دارد که تجلی‌گاه آن فقط محیط خانواده است؛ البته زمینه‌های دیگری از مودت و رحمت نیز هست که تجلی‌گاه آن جامعه است. انسان و به تبع آن جامعه به سکون و آرامش نیاز دارد و از این رو زن و مرد برای تشکیل خانواده باید به این اصل توجه داشته باشند. در صورت بی‌توجهی به اصل آرامش در زندگی، آدمی ناکام می‌ماند و روی خوشبختی را نمی‌بیند. اگر در محیط خانواده فقط روابط جنسی و واکنش‌های فیزیکی مطرح باشد، روح‌ها سرگردان می‌مانند و آدمیان در تمام عمر در حسرت زندگی آرام می‌مانند. از نگاه قرآنی زن و مرد هر دو در ساخت بنیان‌های این خانواده‌ی آرمانی، به‌طور برابری، شریک هستند؛ زیرا آن‌ها مکمل هم می‌باشند و هیچ‌یک بدون دیگری نمی‌تواند موفق باشد.

بررسی «الرجال قوامون علی النساء»

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»^۱ مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، به‌واسطه‌ی آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته است و هم به‌واسطه‌ی آنکه مردان از مال خود نفقه دهند. پس زنان شایسته

^۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴

مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ (حقوق آنها باشند)؛ از آن رو که خدا هم (حقوق زنان را) حفظ فرموده است. زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بی‌مناک‌اید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند)، از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را از راه زدن تنبیه کنید؛ چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنان مجوید که همانا خدا بزرگوار و عظیم‌الشان است.

باتوجه به مفهوم آیه‌ی شریفه، بسیاری این آیه را به این صورت ترجمه کرده‌اند که مردان، سرپرست زنان هستند و با این تعبیر به نظر می‌آید که گویی خداوند مردان را بر زنان برتری داده است، اما در پاسخ این گروه باید گفت که خداوند در این آیه در مقام برتری ذاتی مرد وزن نیست؛ بلکه در مقام بیان موقعیت هر یک در خانواده است. مردان هیچ برتری بر زنان ندارند و حتی در موارد فراوانی، مقام زنان برتر است. در واقع، برتری هر یک به اعمال و کردار است و جنسیت دخیل نیست.

ازدواج

در قرآن کریم و همچنین در روایات و احادیث، بحث ازدواج و تشکیل خانواده به وضوح به چشم می‌خورد. در سوره‌ی مبارکه‌ی بقره آیه‌ی ۲۲۱، در مورد این امر مقدس صحبت شده است و خداوند متعال آدمیان را به این کار فرا خوانده است. رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»^۱، کسی که ازدواج می‌کند نصف دینش را به دست آورده است. این روایت نشان می‌دهد که سنت ازدواج هم‌پای اسلام است و سنت اسلامی تأکید زیادی بر این امر دارد. دلایل تأکید اسلام:

۱- جلوگیری از فساد و فحشاء: ازدواج نیاز فطری و غریزی انسان را ارضا می‌کند و ناامنی اخلاقی را از جامعه محو می‌کند.

۲- تکامل زن و مرد در کنار یکدیگر: تشکیل خانواده و زندگی زن و مرد در کنار هم در حقیقت وارد شدن آنها به مرحله‌ی جدیدی از زندگی است که موجب تکامل و رشد و تعالی آنها می‌شود.

^۱ الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۵ / ۳۲۹ / باب کراهة العزبة ص : ۳۲۸.

۳- سکون و آرامش: ازدواج آرامش و صف‌ناپذیری به زن و مرد می‌دهد.

البته، ازدواجی باعث آرامش می‌شود که براساس معیارها و چارچوب‌های مذهبی شکل بگیرد. در غیر این صورت، ازدواج‌هایی که براساس هوا و هوس و بدون دوراندیشی انجام می‌شود پس از مدتی، برای هر دو طرف ملالت‌آور و خسته‌کننده می‌شود و به جای آرامش خاطر به تلاطم خاطر می‌انجامد و نفرت جای محبت کاذب را می‌گیرد.

۴- تداوم نسل و تقویت روابط اجتماعی: اهتمام و تأکید اسلام بر ازدواج به منظور استحکام روابط اجتماعی و تداوم نسل انسانی است.

معیارها، در تشکیل خانواده

باید توجه داشت که هر دو طرف باید در انتخاب یکدیگر کمال دقت را به‌کاربرند و معیارهای ازدواج در مورد هر دو طرف صادق است. ملاک و معیار ازدواج باید بر اساس آموزه‌های دینی باشد و زن و شوهری که به هدف امور مادی با هم ازدواج می‌کنند، قطعاً نمی‌توانند به رشد و کمال مطلوب خانواده برسند و فرزندان سالم و موفق تربیت کنند. مولانا در داستان شاه و کنیزک نکته‌ای لطیف و ظریف را گوشزد می‌کند و نشان می‌دهد که تجملات و زرق و برق کاخ شاهی نمی‌تواند قلب بی‌قرار کنیزک را صید و در کمند عشق شاه گرفتار کند. سرانجام معلوم می‌شود که بیماری کنیزک جسمی نیست، و منشأ آن کمبودها و عقده‌های روانی است^۱:

مرغ جانش در قفس چون می‌تپید	داد مال و آن کنیزک را خرید
چون خرید او را و برخوردار شد	آن کنیزک از قضا بیمار شد
کوزه بودش آب می‌نالید به دست	آب را چون یافت، خود کوزه شکست

^۱. دفتر اول، بخش دوم، عاشق شدن پادشاه بر کنیزک رنجور.

پیشوای عالی قدر اسلام در این باره می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که مرد مسلمان را اصلاح می‌کند، داشتن زنی است که وقتی به او نگاه می‌کند، شاد گردد و هنگامی که از خانه خارج می‌شود، شوهر را در قلب و در اعماق وجود خود حفظ کند و هرگاه به او دستور می‌دهد، اطاعت کند.^۱ قره‌العین همان کسی است که دیدنش موجب شادی و نشاط گردد. نه تنها زنان و شوهران باید قره‌العین یکدیگر باشند، بلکه فرزندان نیز برای پدران و مادران و دوستان صمیمی نیز باید برای یکدیگر این‌گونه باشند.

والا ترین هدف ازدواج آرامش روان و آسودگی خاطر است و به همین دلیل قرآن کریم بر توجه به معیارهای انتخاب همسر تأکید بسیاری فرموده است. در واقع، ازدواج با همسر مناسب حاصل بررسی و محک‌های بسیاری است که فردی همراه، هم‌اندیشه و همدل را برای آدمی به ارمغان می‌آورد. چنین فردی وجودش مایه‌ی آرامش است و مهر و صفا را به آدمی هدیه می‌دهد. امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ»^۲ بار خدایا، ما را از کسانی قرار ده که درختان محبت و اشتیاق به تو در گلستان سینه‌های آنان ریشه کرده است و شراره‌های دوستی تو سراسر قلب‌های آنان را فرا گرفته است. چند معیار اساسی:

۱- سنخیت در انسان بودن: تجانس و سنخیت از انسان بودن شروع می‌شود و زن و مرد هر دو انسان هستند. بنابراین، آنان که زن و مرد را از لحاظ انسان بودن از جنس و سنخ یکدیگر نمی‌دانند، علاوه بر اهانت به جنس زن و حتی به جنس مرد، نمی‌توانند دم از ازدواج موفق بزنند و بی‌شک از جاده‌ی سیره‌ی بزرگان اسلام خارج شده‌اند.

۲- سنخیت در ایمان: انسان مؤمن به هیچ‌روی نمی‌تواند با فردی زندگی کند که مادی یا مشرک و از فطرت پاک و انسانی خود منحرف شده است. بر همین اساس، قرآن کریم می‌فرماید: «با زنان مشرک ازدواج نکنید،

^۱. حرعاملی، باب ۱۹.

^۲. زاد المعاد - مفتاح الجنان / ۴۱۵ / المناجاة الثانية عشرة: مناجاة العارفين: ص: ۴۱۴.

مگر آنکه ایمان آورند و همانا کنیزکی باایمان بهتر از زن آزاد مشرک است، هرچند از (حسن و جمال) او به شگفت آید، و زن به مشرکان مدهید مگر آنکه ایمان آورند و همانا بنده‌ی مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است، هرچند از (مال و حسن) او به شگفت آید. مشرکان (شما را از راه جهل) به آتش خوانند و خدا از راه لطف و مرحمت به بهشت و مغفرت دعوت کند؛ و خداوند برای مردم آیات خویش را بیان فرماید، باشد که هشیار و متذکر گردند.^۱ همچنین، خداوند در این باره می‌فرماید: «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»^۲ زنان پاکیزه و نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه و نیکو لایق زنانی چنین اند.

اگر به این مسئله توجه نشود ستون‌های کانون زندگی بر زمینی سست و ناپایدار بنا خواهد شد و هر دو طرف را به دردسر خواهند افتاد. چگونه امکان دارد که یکی از زوجین سحرگهان با صدای دل‌نواز اذان برخیزد و خود را برای نماز مطهر کند اما دیگری تا ساعتی بعد از طلوع آفتاب در بستر خود بی‌آرامد. به همین دلیل، در روایات، ازدواج با غیرمسلمان مذموم شمرده شده است.^۳

۳- سنخیت و احسان: کلمه‌ی احسان به معنای منع است. در قرآن کریم، محصنات در چهار معنا به کار رفته است که در این نوشتار فقط معنای مورد نظرمان را می‌آوریم: زنان پاکدامن و عفیفی که خود را از آلودگی و روابط نامشروع منع و محافظت می‌کنند. در قرآن کریم، در سوره‌های مائده آیه‌ی ۵، انبیاء آیه‌ی ۹۱ و تحریم آیه‌ی ۱۲ به این معنا اشاره شده است. زنان پاکدامن در جامعه نیز سرفراز و همواره ارج و احترام خاصی دارند و به‌عکس زنان هرزه هیچ ارزشی نزد مردم ندارند و هرروز منفورتر می‌شوند. این حکایت درباره‌ی مردان نیز صادق است. فطرت و طبع پاک انسان همیشه به دنبال پاکی است و از این رو زن و مرد پاک در جستجوی یکدیگرند.

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲۱.

۲. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۶.

۳. حرعاملی، حدیث ۵.

۴- کفائت: هم‌کفو بودن زن و مرد معیار دیگر برای انتخاب همسر است. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بعضی از مؤمنان کفو و همتای یکدیگرند».^۱ بی‌شک، کسی که دچار انحطاط اخلاقی است با کسی که فضیلت‌های اخلاقی فراوانی دارد، هم‌کفو نیستند. پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «هرگاه کسی آمد که اخلاق و دینش را می‌پسندید، به او همسر بدهید و اگر ندهید، در روی زمین فتنه و فساد بزرگ به وجود خواهد آمد».^۲ البته، کفائت فقط از لحاظ ایمان و اسلام نیست، بلکه جنبه‌های دیگری را نیز در بر می‌گیرد؛ مانند اخلاق، کمالات، شأن اجتماعی و حتی اقتصادی.

دو معیار دیگر

۱- دارا بودن صفات کمال خاص هر یک از دو جنس. کمال‌های مرد و زن با هم تفاوت‌هایی هم دارد. ارزش زن و کمال او در زن بودن و کامل بودن زنانگی‌اش است و همین‌طور ارزش و کمال مرد در کامل بودن جنبه‌های مردانگی‌اش است. اگر مرد گرایش زنانه و زن گرایش مردانه پیدا کند، کمال و تعالی نیست. از نظر اسلام، بعضی از صفات است که فقط زینده‌ی مردان است و برخی فقط زینده‌ی زنان. برای مثال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زیبایی و مهریه‌ی کم را برای زن نیکو می‌داند: «أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجَهًا وَأَقْلُهُنَّ مَهْرًا».^۳ درحقیقت، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: زیبایی صورت یا مهر کم به تنهایی کمال نیست، بلکه وقتی با هم همراه می‌شوند کمال است؛ زیرا معلوم می‌شود که زن نمی‌خواهد زیبایی صورت خود را به مهر بفروشد.

۲ - زبان و گیرایی کلام. ارتباط کلامی میان اعضای خانواده در سلامت و پویایی و تثبیت آن تأثیر بسیار زیادی دارد. همواره، در خانواده‌هایی که در آن‌ها میزان ارتباط کلامی همسران با هم و نیز با فرزندان خوب است، مقدمات تعالی بیار فراهم‌تر است. هر قدر ارتباط بین والدین و فرزندان گرم‌تر و صمیمانه‌تر باشد، فضای آن خانواده برای رشد و کمال مناسب‌تر است و اعضای خانواده موفقیت‌تر خواهند بود. بنابراین، زن و مرد با ایمان

^۱. روضه المتقین، ص ۱۲۸.

^۲. حرعاملی، حدیث ۵۰۲.

^۳. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۵ / ۳۲۴ / باب خیر النساء ص : ۳۲۴.

هیچ‌گاه از زبان تنبیه، تهدید و تحقیر استفاده نمی‌کنند و فقط با نرمی و ملایمت با طرف مقابل خود صحبت می‌کنند.

مراتب رسیدن به کمال و حقیقت تعالی خانواده

انسان برای رسیدن به کمال ابتدا باید رذیلت‌های اخلاقی را کنار بگذارد و خود را به فضائل آراسته کند و برای کسب فضائل آدمی باید ابتدا خودش را بشناسد. بنابراین، اول باید خود واقعی را شناخت (خودسازی) و بعد به سمت مرحله‌ی خداشناسی گام برداشت. حال کمال خانواده مستلزم آن است که تک‌تک اعضای خانواده در این راه بکوشند. در این نوشتار، به‌طور خلاصه به برخی از مراحل رسیدن به کمال اشاره می‌کنیم:

۱. تزکیه نفس. خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی شمس، بعد از قسم‌های فراوانی که می‌خورد، می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّهَا»^۱ به‌عبارتی خداوند می‌فرماید: هرکس نفس ناطقه‌ی خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه کند، به‌یقین رستگار خواهد شد. همچنین، خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی اعلیٰ نیز به همین مطلب اشاره می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»^۲، فلاح و رستگاری از آن کسی است که تزکیه‌ی نفس می‌کند.

۲. بندگی. بی‌شک یکی از مراحل تزکیه‌ی نفس بندگی است. علی (علیه‌السلام) در خطبه‌ی ۱۸۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «ای بندگان خدا از علت خلقت خود که خدای متعال برای شما تعیین کرده است آگاه باشید و بترسید از آنچه خدا شما را برحذر داشته است تا سزاوار وعده‌های خداوند باشید. همچنین، خداوند در خصوص خلقت انسان در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۳ جن و انسان را نیافریدم، مگر برای عبادت. بندگی واقعی یعنی توجه به ذات پروردگار. در بندگی واقعی اراده‌ی انسان در اراده‌ی خدا محو می‌شود و خداوند جایگزین عقل و اراده‌ی آدمی می‌شود.

۳. یقین. بعد از بندگی، مرتبه‌ی یقین قرار دارد. یقین به‌معنای مشاهده‌ی عالم غیب از راه دل است.

۱. سوره‌ی شمس، آیات ۹ و ۱۰

۲. سوره‌ی اعلیٰ، آیه‌ی ۱۴

۳. سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۵۶

۴. ایمان به ربوبیت پروردگار و این مهم به گفتن و ادعا کردن نیست بلکه در عمل و همراه با یقین صورت می‌گیرد.

۵. تقوا. تقوا یعنی پرهیز از غیرخدا، یعنی خویشترداری و نگهداری انسان از گناه و چنین امری بهترین ذکر عملی است؛ زیرا ذکر خدا یعنی یاد خدا و در حضور خدا بودن.

۶. اخلاص. اخلاص یعنی آنکه درون و برون آدمی از غیر خدا پاک باشد. در اخلاص، نیت و زبان و عمل و فکر و خلاصه آنکه همه چیزمان برای ذات حق است. این حالت در معرفت به پروردگار، حاصل می‌شود. یعنی کسی که خدا را با معرفت کامل بشناسد و خیر و کمال را متعلق به او بداند و حاجتی غیر از او نداشته باشد.

۷. حسن خلق. انسان نمی‌تواند متصف به صفات پروردگار شود؛ زیرا صفات خداوند عین ذات او و متعلق به اوست، اما می‌تواند متخلق به اخلاق ذات حق شود که این عمل همان حسن خلق است. پیامبرگرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رسالت خود تکمیل اخلاق می‌داند: «انّی بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱ من مبعوث شدم که اخلاق نیکو را تمام کنم.

۸. صبر. صبر به معنای نگهداری نفس، برطبق مقتضیات عقل و شرع است. از مهم‌ترین مصادیق صبر، رسیدن به هدف عالی حیات است که خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی رعد آیه‌ی ۲۲ بیان فرموده است: «آن‌ها در طلب رضای خدا، راه صبر پیش گیرند و نماز به‌پا می‌دارند و از آنچه نصیبشان کردیم پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند و در عوض بدی‌های مردم، آن‌ها نیکی می‌کنند؛ اینان هستند که عاقبت منزل‌گاهی نیکو می‌یابند». یکی از بهترین باارزش‌ترین صفات انسان‌های مؤمن برای رسیدن به دیدار خداوند، صبر است. هرآنچه از دوست بر مارسد نیکوست و گوارا! خیلی از امور، در زندگی امتحان الهی است و باید بکوشیم در امتحانات موفق باشیم.

۹. رضا. پس از صبر، رضای الهی مطرح می‌شود. رضا نشانه‌ی محبت به خداوند بعد از معرفت اوست. راضی بودن به امر مدبر حکیم و تسلیم در برابر اراده‌ی او، مقامی بالاتر از صبر می‌باشد؛ زیرا صبر تحمل در مقابل مصائب و مشکلات است و رضا تسلیم و خشنودی است.

^۱. إرشاد القلوب / ترجمه مسترحمی / ج ۱ / ۱۷۴ / باب هیجدهم در وصایای لقمان و مواعظ رسول خدا ص: ۱۶۴.

۱۰. توکل. فقط باید به خداوند قادر و متعال توکل کرد و برای رسیدن به مقامات معنوی کوشید. در توکل، هم حالت قلبی و تکیه‌ی معنوی بر خدا وجود دارد و هم سعی و کوشش و این دو هیچ تضادی با هم ندارند. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱، و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند، و هر که برخدا توکل کند، خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش را نافذ و روان می‌سازد و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است.

۱۱. عشق به ذات الهی. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۲ برخی از مردم (نادان) غیرخدا را همانند خدا گیرند و چنان که خدا را بایست دوست داشت با آن‌ها دوستی می‌ورزند، لیکن آن‌ها که اهل ایمان‌اند کمال محبت و دوستی را فقط به خدا مخصوص دارند. اگر قصد رسیدن به کمال را داریم باید بدانیم که تنها عشق حقیقی عشق به خداست و البته عشق به معصومان (علیهم‌السلام) مقدمه و وسیله‌ای برای رسیدن به عشق خداست. در این عشق واقعی، سود و زیان مطرح نیست، بلکه نفس عشق مطرح است و عاشق چیزی جز معشوق ندارد.

۱۲. دانش. دانش کمال انسان است. ارزش علم از نظر اسلام آن چنان زیاد است که خداوند سبحان خداترسی را منحصر در اهل علم می‌داند: منحصر دانسته و فرموده است: «نَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۳ تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خداترسند. از نظر اسلام، دانش نور است و جهل تاریکی و بدبهی است که نور بر تاریکی رجحان دارد. البته، دانش صرفاً با کثرت آموختن حاصل نمی‌شود، بلکه نوری است که خداوند در دل جویندگان علم می‌گذارد.

۱۳. ذکر. توجه به خدا در هر حال را ذکر گویند. ذکر، یعنی یاد خدا و یاد خدا، یعنی حضور خدا. بزرگ‌ترین جهاد آن است که آدمی همواره به یاد خداوند باشد. با ذکر واقعی، آدمی خدا را می‌بیند و از گناه و صفات رذیله دوری

۱. سوره‌ی طلاق، آیه‌ی ۳.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۵.

۳. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۲۸.

می‌گیرند و خداوند نیز پاسخ چنین ذکری را می‌دهد و به یاد کسی خواهد بود که حقیقتاً به یاد اوست:
«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^۱.

۱۴. نماز. نخستین حاصل نماز این است که فرد نمازگزار همواره به یاد خدا خواهد بود و مادیات زندگی او را غافل نمی‌کند. نماز واقعی نیایشی حقیقی است که آدمی را آرام و اندوخته‌ی معنوی او را حفظ می‌کند. خداوند در این باره می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي »^۲، کسی که صاحب نفس آرام و مطمئن می‌شود، با رضا و خشنودی به سراغ پروردگار می‌رود و از بندگان حقیقی او می‌شود و در نهایت پا بهشت الهی می‌گذارد.

جایگاه مساجد در تعالی خانواده

مسجد به‌عنوان پایگاه اجتماعی قوی اسلام می‌تواند در استحکام بنیان خانواده کمک زیادی به جامعه بکند. در این باره توجه به نکات زیر بسیار مهم است:

۱. جایگاه مسجد در ارتقاء سطح معنوی خانواده با محوریت آموزه‌های قرآنی. مسجد به‌عنوان نخستین جایگاه عبادی همواره در طول تاریخ اسلام اهمیت ویژه‌ای داشته است و مکانی برای پرورش روح و جان انسان‌ها بوده است. خانواده‌ها باید به این اصل توجه داشته باشند که محیط معنوی مسجد بهترین مکان برای شکل‌گیری شخصیت فرزندان است و تعامل مسجد و مدرسه نقشی شگفت‌آور در این زمینه خواهد داشت. از این رو، خانواده‌ها باید سعی کنند تا ارتباط خود را با این بیت متعالی بیشتر و محکم‌تر کنند. شکل‌گیری شخصیت فرزندان از درون خانواده شروع می‌شود و سپس با توجه به همراهی کودک با والدین در مکان‌های دیگر، این روند ادامه می‌یابد. در گذشته که مکان‌های آموزشی کمتر بود، غالباً والدین فرزندان را به مساجد می‌بردند، ولی با پیشرفت مدرسه و دیگر نهادهای آموزشی، جایگاه این مکان شریف کمی دچار تزلزل شد و مدارس به‌عنوان خانه‌ی دوم فرزندان

^۱ سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۲.

^۲ سوره‌ی فجر، آیات ۲۷ تا ۳۰.

شناخته شد. حال، برای اینکه این بیت متعالی بتواند به جایگاه خود برگردد و در فرهنگ‌سازی فرزندان نقش بیشتری ایفاء کند، باید فرهنگ‌سازی درستی صورت گیرد. باید بدانیم که یادگیری در مساجد هیچ منافاتی با تدریس در مدارس ندارد و کسب فضائل اخلاقی نیز در کنار یادگیری علم و فنون، اهمیت بسیاری دارد. مسجد می‌تواند در تعالی و رشد تک‌تک اعضاء خانواده مؤثر واقع شود. رسانه‌های جمعی نقشی بسیار مهم در این فرهنگ‌سازی دارند و باید در برنامه‌های خود به این امر خطیر توجه بیشتری بکنند.

این مکان شریف به سبب حرمت و احترامی که دارد تأثیر زیادی بر رشد و تعالی افراد می‌گذارد و کم نبوده‌اند کسانی که به‌علت رفت‌وآمد در مسجد، از ضلالت نجات یافته‌اند و راه حق را پیدا کرده‌اند. بنابراین، هر قدر اعضای خانواده بیشتر در مساجد حضور یابند، امکان تعالی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود و آرامش درون خانواده نیز افزایش می‌یابد. تفاوتی فاحش وجود دارد بین منش و رفتار افرادی که به مسجد می‌روند و افرادی که به هر دلیل توفیق حضور در مسجد را ندارند؛ در اغلب مساجد نکات اخلاقی و تربیتی مربوط به خانواده، اجتماع و مسائل اخلاقی گفته می‌شود و مسجدیان با الگو قرار دادن سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) به خانواده‌ای کامل‌تر دست می‌یابند. با توجه به اینکه اغلب مسجدی‌ها انسان‌هایی معتمد، خیر و مورد اعتماد برای حل مشکلات مردم هستند، حضور در مسجد حلال بسیاری از مشکلات افراد خواهد بود.

مسجد مکان امنی برای حضور خانواده است و مساجدی که در آن‌ها فعالیت‌های قرآنی وجود دارد، با استفاده از آموزه‌های قرآن افرادی را تربیت می‌کنند که دارای فضائل قرآنی هستند و الگوی قرآن را به درون خانواده‌ی خود می‌برند. با توجه به اینکه در طول تاریخ اسلام، مسجد و قرآن همواره در کنار یکدیگر بوده‌اند، باید مساجد با برنامه‌های فرهنگی و قرآنی آراست تا خانواده و جامعه آموزه‌های الهی قرآن را محور زندگی خود قرار دهند. مهم‌ترین اصل حاکمیت قرآن در خانواده‌ها، پیروی از احکام خداوند و دستورهای پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. مسجد می‌تواند در زمینه‌ی آگاهی از احکام اسلام و چگونگی عمل به آن‌ها نقشی بزرگ ایفا کند. برای مثال، اگر پدری همواره به مسجد بیاید و دستورهای الهی را رعایت کند و الگوی قرآنی را در تشکیل و تربیت خانواده مد نظر قرار دهد، محصولی به دست می‌آورد که مورد رضایت خداست و جامعه را نیز از کوشش خود بهره‌مند می‌کند. چنین رویکردی بهترین و برترین تبلیغ برای دین مبین اسلام است. البته، محیط مساجد نیز باید

به گونه‌ای باشد که مقدمات چنین طرحی را فراهم کنند و با کمک از تفسیر آیات و روایات کمک حال خانواده و مدرسه باشند.

۲. ارتقاء سطح آگاهی خانواده‌ها برای برگزاری نماز

مساجد در امر تقویت و ارتقاء فرهنگ نماز، به‌خصوص نماز جماعت، نقشی بی‌بدیل دارند و می‌توانند با برگزاری نمازهای جماعت پرشور افراد را به مسجد جذب کنند. خانواده‌هایی که اهل مسجد و نماز هستند با ارتباط با این بیت متعالی آرامش و امنیت بیشتری دارند. این مکان شریف می‌تواند با نفوذ در خانواده‌ها فرهنگ صحیح نماز را در میان اعضا آن‌ها افزایش دهد و به‌دلیل اینکه نماز مایه‌ی آرامش انسان‌هاست، زمینه‌ساز آرامش آن‌ها بشود. برگزاری مداوم نماز جماعت رمز دست‌یافتن به آرامش و امنیت در فضای خانواده‌های مسجدی است. به‌دلیل اهمیت این فریضه‌ی الهی به چند نمونه از تأثیرات آن در آرامش روانی و اجتماعی افراد اشاره‌ای کوتاه می‌کنیم:

الف) عدم احساس گناه و یا کاهش آن. نماز انسان را از فحشاء و منکرات باز می‌دارد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱. نماز گناه را می‌شوید و قلب را آرام می‌کند.

ب) وحدت شخصیت و انسجام خانوادگی. خواندن نماز موجب دست‌یافتن به وحدت شخصیت می‌شود. شخصیت معتقد به توحید به گونه‌ای است که جنبه‌های گوناگون او با یکدیگر در تضاد نیست. یعنی، عقاید نظری و شیوه‌ی عملی فرد در یک راستاست و چون این‌گونه رفتار می‌کند، تضادی در رفتار وی به‌وجود نمی‌آید. هر جنبه‌ای از شخصیت فرد، جنبه‌ی دیگر شخصیت او را تأیید می‌کند و انسان به هنگام تعامل با او احساس می‌کند که با فردی هماهنگ مواجه شده است. حال، باید پرسید این فریضه‌ی الهی چگونه موجبات تحقق وحدت شخصیت آدمی را فراهم می‌آورد. انسان مؤمن به‌هنگام نماز سخن خدای واحد و یگانه را به میان می‌آورد و از یکی بودن او سخن می‌گوید؛ لذا این باور به یگانگی معبود در وحدت رفتار او نیز تأثیر می‌گذارد؛ زیرا آنچه

^۱. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۲ / ۵۹۸ / کتاب فضل القرآن ص : ۵۹۶.

باعث تفرقه و جدایی می‌شود، ایمان به رب‌های گوناگون است. تعدد الهگان سبب تزلزل رفتار می‌شود و نماز که سرود یگانگی پروردگار است مانع چندگانگی در رفتار می‌شود. بی‌شک ثبات در رفتار یکی از مهم‌ترین عوامل استحکام بنای خانواده است و افراد ثابت‌قدم توانایی بیشتری برای تشکیل خانواده‌ی آرمانی دارند.

ج) پروراندن اعتماد به نفس و شخصیت افراد: نماز موجب افزایش اعتمادبه‌نفس در شخصیت افراد می‌شود؛ زیرا وقتی آدمی با خداوند سخن می‌گوید، از او استعانت و کمک می‌طلبد: «يَاكَ نَعْبُدُ وَيَاكَ نَسْتَعِينُ»^۱ فردی که به خدایش تکیه می‌کند توان بیشتری در خود احساس می‌کند که ناشی از اتکای به قدرت لایزال الهی است و داشتن چنین نقطه اتکایی باعث افزایش اعتمادبه‌نفس در فرد می‌گردد. همچنین، انسانی که با خداوند رازونیاز می‌کند، در هنگام مشکلات و گرفتاری‌ها، استقامت بیشتری در برابر مشکلات دارد؛ زیرا خداوند فرموده است:

« أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ »^۲ در هنگام مشکلات و گرفتاری‌ها از نماز و روزه استعانت بجوئید. نقش صبر و نیز اعتمادبه‌نفس در کمال خانواده روشن‌تر از آفتاب است به توضیح نیازی ندارد.

۳- ارتباط دوسویه‌ی مسجد با خانواده:

شایسته است مسجد نقش محوری خود را برای خانواده‌ها تشریح کند تا خانواده و اعضای آن بتوانند ارتباط جدی و تنگاتنگی با این بیت متعالی برقرار کنند. برای این منظور، مساجد علاوه برداشتن برنامه‌های سنجیده و قوی، باید به جنس و سن مخاطبان نیز توجه کنند و با روش‌های تربیتی روز مفاهیم قرآنی را به کودکان و به‌طورکلی افراد منتقل کنند. چرا اکنون بسیاری از جوانان و نوجوانان بیشتر وقت خود را با ماهواره، بازی‌های کامپیوتری، موبایل و دوستان ناباب می‌گذرانند و کمتر به مسجد می‌روند، درحالی‌که اغلب قریب‌به‌اتفاق مردم می‌دانند که محیط مسجد می‌تواند فضایی امن و آرام برای جوانان و نوجوانان باشد و باعث شادابی و نشاط آن‌ها بشود؟ به‌یقین، دلیل روگردانی خانواده‌ها از مسجد، خود مسجد نیست؛ زیرا مسجد خانه‌ی خدا و

۱. سوره‌ی فاتحه، آیه‌ی ۵.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۳.

آرام‌کننده‌ی قلوب مؤمنان است؛ پس گویی مشکل در برنامه‌ریزی مدیران مسجد است. بنابراین، ائمه‌ی جماعات باید با برنامه‌ریزی دقیق، همگان و به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان را به مسجد جذب کنند. مسجدی مطلوب است که بتواند کارکردهای مختلفی را در خود جای دهد و در کنار توجه به جنبه‌ی عبادی خانواده‌ها، بر جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مسائل خانوادگی نیز تأکید کند. مساجد فعال می‌توانند با گذاشتن تأثیر مثبت بر نهاد خانواده، گامی بزرگ در راه اصلاح جامعه بردارند.

نتیجه‌گیری

خانواده پایه‌ی اصلی سعادت جامعه است؛ به‌طوری‌که اگر افراد خانواده بتوانند با روابطی شایسته و مناسب، روح و جسم یکدیگر را آرامش بخشند و زمینه‌ی شکوفاشدن صفات و استعدادهای درونی را آماده کنند، جامعه‌ای موفق به‌وجود خواهد آمد. همان‌گونه که گفتیم ازدواج و تشکیل خانواده از مهم‌ترین اهداف اسلام است و در آیات نورانی قرآن نیز بر این امر مهم تأکید شده است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «هیچ بنایی در اسلام، نزد خداوند، محبوب‌تر از (کانون) ازدواج نیست».^۱ به‌طورکلی، سلامت، آگاهی و استحکام بنیان خانواده ضامن رشد مطلوب شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان است و پیشگیری از تعارضات، تضادها، کج‌رویها و اختلالات روانی و اجتماعی ایشان نیز در گرو سلامت خانواده است. در زندگی مدرن و ماشینی، متأسفانه ارتباط اعضای خانواده کمرنگ شده است و به‌سبب عدم ارتباط فرزندان با پدر و مادر، فرزندان به‌سمت کارهای خلاف می‌روند. بنابراین، اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم، سعادت‌مند و پویا داشته باشیم، باید روابط درون خانواده‌ها را اصلاح کنیم و در این زمینه سرمایه‌گذاری کنیم.

مسجد می‌تواند نقشی مهم در امر استحکام خانواده ایفا کند؛ زیرا وجود اندیشه‌ی متعالی، زندگی هدفمند و معادگرا، پایداری در صراط مستقیم، تقوایب‌پنداری و وارستگی، مراقبت از آسیب‌پذیری‌های فکری، تلاش برای استحکام روابط اعضا، و اعتلای منزلت و ارزشی حقیقی به خانواده شرایط ایجاد خانواده‌ی آرمانی هستند و مسجد می‌تواند برای همه‌ی این امور برنامه‌ریزی کند. باتوجه‌به مطالب ارائه‌شده، روشن شد که اگر مساجد

۱. حرعاملی، ص ۳.

جایگاه واقعی خود را بیابند و به درستی آن را به خانواده‌ها تفهیم کنند، می‌توانند نقشی عظیم در ارتقای نظام اجتماعی ایفا کنند.

در پایان، با عنایت به اینکه مساجد همواره در صدر اسلام کارکردهای مختلفی داشته‌اند، متولیان امر و ائمه‌ی محترم جماعات باید برای پیوند محکم‌تر خود با خانواده‌ها به چند راهکار توجه کنند:

۱. همه‌ی مسئولان و متولیان مساجد باید با برگزاری جلسات و نشست‌های مشترک، طرحی جامع برای موفقیت بریزند و در اندیشه‌ی رفع ضعف‌های کنونی باشند. مسجد باید به درون خانواده برود و خانواده باید از آموزه‌های قرآنی مسجد الگو بردارد.

۲. فرهنگ‌سازی باید تغییراتی از درون داشته باشد؛ یعنی فرهنگ باید مطابق زمان و عصر حاضر پیشرفت کند. به عبارت دیگر، امامان جماعت ابتدا باید نوجوانان و جوانان را آن‌گونه که هستند، بپذیرند و سپس با توجه به نکات مدیریتی دقیق، برای جذب آن‌ها طرحی بریزند.

۳. جلسات بحث و مشاوره‌های خانوادگی در مساجد برگزار شود و نکات تربیتی مربوط به خانواده، اجتماع، مسائل اخلاقی و حقوق خانواده‌ها و هرآنچه به خانواده مربوط می‌شود، در این جلسات مطرح شود تا از آسیب‌های اجتماعی خانواده‌ها و فرزندان کاسته شود. در این جلسات، باید از روان‌شناسان برجسته و کارشناسان تربیتی استفاده شود، باید با توجه به مشکلات امروز و فاصله‌ی عمیقی که میان بسیاری از خانواده‌ها و فرزندان افتاده است، راه‌حلی اندیشیده شود.

۴. برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی صحیح انجام گیرد. در ایام تعطیلات، بیشتر وقت کودکان و نوجوانان و جوانان به بطالت می‌گذرد و با توجه به اینکه اکثر خانواده‌ها وضعیت مالی خوبی ندارند و نمی‌توانند به کلاس‌های مختلف بروند، باید بکوشیم که با برنامه‌های جذاب و شاداب این قشر عظیم را به سمت مسجد فراخوانیم. نوجوان و جوان به دلیل عدم وابستگی و نداشتن علاقه بسیار به دنیا و مسائل مادی و آزادبودن فکر و ذهن، بهتر می‌تواند مفاهیم دینی را درک کند و به همین سبب حافظ ارزش دستاوردهای مذهبی و اعتقادی خواهد بود.

۵. برخی مساجد فقط در ساعات نماز باز هستند و در بقیه ی اوقات بی استفاده اند. متولیان امر باید اقداماتی در این زمینه انجام دهند. اختصاص فضایی از مسجد برای ارائه ی مشاوره و حل مشکلات خانوادگی، جبران این نقیصه را خواهد کرد. البته، بهتر است بررسی مشکلات خانواده ها با حضور معتمدان و افراد نیکوکار انجام شود.

۷. استفاده از مواردی چون رایانه، کتابخانه و کلاس های آموزشی نقشی مهم در جذب نسل جدید دارد. با راه اندازی کتابخانه و وسایل صوتی و تصویری، خانواده ها و نسل جوان می توانند در سراسر سال و به خصوص در هنگام اوقات فراغت فرزندان، به مسجد بروند و از این امکانات بهره ببرند.

۸. در هر منطقه، افراد نیکوکار و مؤمنی وجود دارد و متولیان مساجد می توانند، در کنار برنامه های علمی و تخصصی، از این افراد دعوت و از وجود آن ها در زمینه ی حل مشکلات خانوادگی استفاده کنند تا علاوه بر بهره بردن از کمالات و تجارب گران قدرشان، زمینه ی آشنایی خانواده ها نیز فراهم شود.

۹. مسجد علاوه بر امور عبادی باید در فکر اشاعه ی فرهنگ و اخلاق زیبای اسلامی نیز باشد؛ احترام به علماء، افراد مسن و بزرگترها و محبت به کوچک ترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنان، باید از دیگر اهداف بانیان مساجد باشد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد